

مقدمه

جلد نخست دایرةالمعارف قرآن لیدن توسط انتشارات حکمت به فارسی برگردانده و به زیور طبع آراسته شد. بنا بر طبیعتی که هر اثر دایرةالمعارفی دارد، این دایرةالمعارف نیز مجموعه‌ای از مداخل است که توسط نویسندگان مختلف با معلوماتی متفاوت در حوزه فرهنگ اسلامی و دیدگاه‌های قرآنی تألیف شده است. در ترجمه فارسی اثر نیز مترجمان متعددی همکاری داشته‌اند. که علی‌رغم شایستگی‌های اولیه در این مسیر، اختلافات آن‌ها در درک مباحث تخصصی علوم قرآنی به زبان انگلیسی و تفاوت مهارت آن‌ها در بازگردانی همین متون به زبان فارسی امری قابل انتظار است. این موارد در مجموع بر یکدست نبودن کل مقالات از جهت وضوح و ابهام اثر گذاشته است. با این وجود جلد اول دایرةالمعارف قرآن لیدن در قالب کتابی فاخر و ستودنی در دسترس فارسی زبانان قرار گرفته و زمینه را جهت استفاده علاقه‌مندان به پژوهش‌های قرآنی، در عین حال نقد ناقدان فراهم ساخته است. نقد مفصل و کارآمد این اثر که بالغ بر ۶۰۰ صفحه بوده و با حروف چینی ریز سامان یافته است، در قالب ارائه مقاله‌های علمی و انجام پژوهش‌های پایان‌نامه‌ای امکان‌پذیر است، چنانکه تا به امروز دهها مقاله انتقادی از موضوعات این دایرةالمعارف در فصل‌نامه قرآن و مستشرقان منتشر شده است. طبعاً مراد از نقد علمی مشاهده امتیازات و کاستی‌های یک اثر آن هم در پرتو مبانی استوار نقد است. در پیشگفتار ترجمه فارسی اثر

دایرةالمعارف قرآن لیدن، امتیازات و چالش‌ها

دکتر مجید معارف^۱

به موارد مهم و متعددی از «ویژگی‌ها و محاسن» و «کاستی‌ها» به صورت فی‌الجمله اشاره شده است (ص چهار الی شش). راقم این سطور که توفیق مطالعه همه مداخل جلد نخست را داشته و نتایج مطالعات خود را در قالب دو گزارش نسبتاً مفصل تقدیم انتشارات حکمت کرده، اهم محسنات و کاستی‌های اثر حاضر را بعضاً با ذکر مثال و نمونه به شرح زیر ارزیابی می‌کند:

۱. امتیازات دایرةالمعارف قرآن لیدن

۱-۱. بررسی علمی و غیرجانبدارانه

برخلاف بسیاری از آثار خاورشناسیان که جانب‌دارانه و با انگیزه دینی، تبشیری (جهت اطلاع از انگیزه‌های خاورشناسان نک: حمدی زقزوق، ۸۸-۸۹، علی الصغیر، ۱۵-۲۱ و سیاعی، ۲۰-۳۱) نگاشته شده و آثار ضدیت آن‌ها با اسلام و قرآن آشکار است، صبغه حاکم بر دایرةالمعارف قرآن صبغه‌ای علمی (با رویکرد پژوهشی) و حتی‌الامکان به دور از جانب‌داری است. نویسندگان مداخل در بررسی‌های خود تلاش فراوان به خرج داده‌اند که دیدگاه اسلام و قرآن را در خصوص مسائل مورد تحقیق به دست آورده و ارائه دهند. مطالبه سرویراستار دایرةالمعارف خانم جین دمن مک اولیف از نویسندگان مداخل این بوده که مقالات دایرةالمعارف، وسیع‌ترین طیف ممکن از تحقیقات «دقیق» و «آکادمیک» درباره قرآن را عرضه کند. (همو، ص بیست و چهار پیشگفتار) اما اینکه چقدر



محققان به این مطالبه پای‌بند بوده و در تحقق آن موفق بوده‌اند، امر دیگری است که اظهارنظر آن به عهدهٔ ناقدان است. هرچند نمی‌توان منکر تلاش مدخل‌نویسان در این خصوص گردید.

۲-۱. تتبع وسیع در منابع اسلامی و غربی

از آنجا که دایرةالمعارف قرآن لیدن از جدیدترین آثار خاورشناسان در خصوص قرآن به شمار می‌رود، نویسندگان مداخل کوشیده‌اند که مقالات خود را با تتبع وسیع در منابع اسلامی و محققان غربی تألیف کنند. در استفاده از منابع اسلامی، استخراج شواهد قرآنی مرتبط با موضوع، مراجعه به مدارک تفسیری، تاریخی، کلامی، فقهی، ادبی و ... مدنظر قرار گرفته است. این آثار در وجه نخست از منابع مرجع و تخصصی قدیمی تا جدید اهل سنت است، اما نویسندگان مداخل از منابع شیعه (امامیه، زیدیه، اسماعیلیه) نیز بعضاً غافل نبوده‌اند، لذا در مقالات این دایرةالمعارف برخلاف بسیاری از آثار خاورشناسان، آراء شیعیان در مقایسه با عقاید اهل سنت بیشتر نمایان است. هرچند به طوری که خواهد آمد تکیه اصلی مباحث بر منابع اهل سنت و ارائه دیدگاه‌های آن‌ها بوده است.

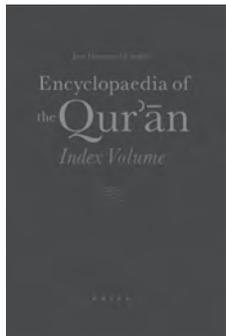
اما قسمت قابل توجهی از منابع مقالات دایرةالمعارف را منابع غربی تشکیل می‌دهد که متعلق به خاورشناسان سده‌های گذشته است. رویکرد نویسندگان مقالات، استسهاد به دیدگاه‌های محققان قبل از خود توأم با نقد و بررسی آن‌هاست و هرگز رد پای تقلید

قابل مشاهده است. دقیقاً معلوم نیست که هدف نویسندگان مقالات دایرةالمعارف از این‌گونه بررسی‌های تطبیقی چیست، چرا که در این خصوص تبیینی مشاهده نمی‌گردد، لذا این ویژگی که از جمله محسنات دایرةالمعارف قرآن به شمار می‌رود، به طوری که خواهد آمد از زمینه‌های نقد این مجموعه نیز خواهد بود.

۴-۱. اذعان به برخی حقایق در تمایز قرآن و عهدین، شیعه و سنی

یکی از آثار بررسی‌های تطبیقی اعتراف نویسندگان مقالات دایرةالمعارف به برخی از حقایق در تمایز قرآن و عهدین و احیاناً شیعه و سنی است که در برخی از مداخل نمایانگر است. در این خصوص مثال‌های متعددی وجود دارد که به نمونه‌های محدود آن اشاره می‌شود.

۴-۱-۱- در مدخل «اسطوره‌ها و قصه‌ها در قرآن» از قول «فرد دائر» آمده است: «هدف از داستان‌های در قرآن با هدف از آن‌ها در عهد عتیق عمیقاً تفاوت دارد. در عهد عتیق از داستان‌ها برای تبیین بخش‌هایی از تاریخ بنی‌اسرائیل استفاده می‌شود، (اما) در قرآن برای روشن کردن پی‌در پی - اینکه چگونه مؤمنان حقیقی در موقعیت‌های خاص عمل می‌کنند. در جهت این هدف، شخصیت‌های قرآنی الگوهای اخلاقی تصویر می‌شوند که مظهر همهٔ نیکوکاران یا بدکارانند... [قرآن] صرفاً به تاریخ به معنای تحول



و تغییر توجه ندارد، چه تاریخ انبیاء و پیغمبران پیش از محمد (ص) و چه تاریخ خود محمد (ص)، چرا که در دیدگاه قرآنی هویت جماعتی که محمد (ص) به سوی آن‌ها فرستاده شده بود نه بر اساس تاریخ، بلکه بر اساس اخلاق معین می‌شود.» (ص ۲۵۷)

۴-۱-۲- در مدخل «امر به معروف و نهی از منکر» به قلم مایکل کوک نویسنده پس از بررسی تفصیلی موضوع در مقارنه تفاسیر قدیم تا جدید اهل سنت و شیعه به عنوان کلام انتهایی خود می‌نویسد: «مباحث امامیه جدید دربارهٔ بازداشتن از ناپسند معمولاً نوآورانه‌تر از مباحث سنی است. این تقابل ارتباط اندکی با تفسیر قرآن دارد، اما در آثار تفسیری امامیه انعکاس یافته است. مفسران امامی جدید به طرز چشمگیری بیشتر از هم‌تایان سنی‌شان به این تمایل دارند که آیه ۷۱ توبه را مناسب بحث از نقش زنان در بازداشتن از ناپسند بدانند (نک مثلاً، اکبر هاشمی رفسنجانی، ذیل آیه) در حالی که مفسران سنی به ندرت تفاسیر امامیه را نقل می‌کنند، مفسران امامی به بحث از آیه ۱۰۴ آل عمران در تفسیر المنار علاقه دارند (نک مثلاً، آشتیانی و دیگران، ذیل آیه)» (ص ۳۸۴)

۵-۱. تحلیل و موشکافی مطالب

مقالات دایرةالمعارف قرآن در مجموع از تحلیل‌های عمیق و موشکافی‌های دقیق برخوردار است. محتوی مقالات به دور از

صرف مشاهده نمی‌گردد. انعکاس آثار و دیدگاه‌های خاورشناسانی چون نولدکه، موننگومری وات، گوستاولبون، گلدزیهر، بلاشر و ... به حدی است که برخی از مداخل مانند مدخل الحداد، مدخل انجیل، مدخل بازرگانی، مدخل اعراب و ... اساساً منبعی جز مصادر غربی ندارد. منابع هر مدخل معمولاً به شکل منابع اصلی و فرعی طبقه‌بندی شده و به عقیده سرویراستار دایرةالمعارف بخش منابع هر مقاله خود مدخلی مفید برای مطالعه بیشتر دربارهٔ هر یک از موضوعات است. (اولیف، ص ۲۵ و نیز نک کلام ویراستاران فارسی، ص ۵)

۳-۱. رویکرد بررسی‌های تطبیقی

در بسیاری از مداخل‌های دایرةالمعارف، رویکرد مطالعات تطبیقی به چشم می‌خورد. مطالعات تطبیقی در سراسر دایرةالمعارف در چند محور قابل مشاهده است: الف- اسلام و غرب، ب- قرآن و عهدین، ج- در مواردی شیعه و سنی. این ویژگی جذابیت ویژه‌ای به محتوای مقالات داده و به خواننده امکان می‌دهد تا به پیشینهٔ یک موضوع و سیر تحول آن در تاریخ واقف گردد. برجسته‌ترین محور تطبیق در غالب مقالات، قرار گرفتن خواننده در جریان نقطه‌های مشترک و متفاوت دیدگاه‌های قرآن و کتاب مقدس است و این موضوع در مداخل‌های مربوط به شرح حال اقوام و پیامبران به وفور



عوام‌زدگی علمی و سطحی‌نگری تألیف شده و نشان از حضور فکری مؤلفان آن‌ها در سطح مقالات دارد. اثر حاضر، اثری متدبرانه است و بر این امر گواهی می‌دهد که نویسندگان مداخل هرگز درصدد جمع‌آوری و در کنار هم قرار دادن مطالب نبوده‌اند، بلکه در کنار جمع‌آوری و توصیف رویکرد تجزیه و تحلیل به چشم می‌خورد، با توجه به این نکته باید به دایرةالمعارف قرآن به عنوان یک تولید علمی نگریسته شود که خود زمینه را جهت بررسی‌های جدیدتر علمی فراهم می‌سازد. هدف از بیان این مطلب صحنه گذاشتن بر تمام نتایج حاصله از موشکافی‌های محققان در دایرةالمعارف نیست، گرچه در وضع موجود نیز حقایق ارزشمندی درباره قرآن و فرهنگ برخاسته از آن، انعکاس یافته است. نکته دیگر درباره مقالات دایرةالمعارف آنکه تجزیه و تحلیل‌های به عمل آمده از مباحث گاه سطح برخی از مقالات را سنگین و پیچیده ساخته و خواننده را وادار می‌سازد یک مقاله را چندید با دقت مرور کرده و در مفاد آن تدبر کند تا به قصد و اندیشه صاحب مقاله واقف گردد. ضمناً اختلاف سبک نویسندگان غربی با پژوهشگران مسلمان از جهت روش تحقیق و نحوه ورود به مطالب و خروج از آن‌ها از عوامل دیگر پیچیده شدن برخی از مطالب است که باید در مطالعه مقالات دایرةالمعارف مدنظر قرار گیرد.

۲. کاستی‌ها و عوامل چالش برانگیز در دایرةالمعارف قرآن

آمد برون رفت خوبی هم برای خوانندگان در بر ندارد. این موضوع شواهد متعددی دارد از جمله:

۱-۱-۲- جزئیت «بسمله» و تعامل مسلمانان با آن - در مداخل «بسمله» روایات متعارضی آورده شده که بر پایه آن‌ها دقیقاً معلوم نمی‌شود که رسول خدا (ص) «بسمله» را در نمازها قرائت می‌کرده یا خیر (نک ۵۲۷). در همین مداخل به شیعیان نیز نسبت می‌دهد که آنان «بسمله» را در نمازهای خود آهسته و در دل می‌خواندند (همان جا) و این در شرایطی است که اولاً: جزئیت «بسمله» در زمان رسول خدا (ص) امری مسلم بوده و بسیاری از فرق اسلامی این جزئیت را پذیرفته‌اند و معتقدند شک در این خصوص از زمان بنی‌امیه به بعد به وجود آمده (تفصیل بحث را نک: خوئی، ۴۳۸-۴۴۸ با عنوان: هل البسملة من القرآن، عسکری، ۳۷/۲-۶۷ با عنوان: روایات البسملة و تناقضها و منشؤها). ثانیاً سیره شیعیان به تأسی از امامان خود آشکار کردن «بسمله» در نماز (حتی نمازهای اخفاتی) بوده که تا به امروز نیز ادامه دارد. صفوان جمال می‌گوید: چند روزی پشت سر امام صادق (ع) نماز گذاردم. آن حضرت در نمازهای اخفاتی (ظهر و عصر)، نیز بسم الله الرحمن الرحیم را در هر دو سوره آشکار قرائت می‌کرد. (کلینی، ۳/۳۱۵)

۲-۱-۲- سوره عبس و واکنش رسول خدا (ص) به آن - در مداخل «بینایی و نابینایی» آمده است: «سوره عبس ماجرای را ذکر می‌کند که در آن محمد روی خو را از مرد نابینایی که هدایت

لیدن

در کنار امتیازات و محسنات یادشده برای مقالات دایرةالمعارف، موارد متعددی از کاستی‌ها و نواقص در برخی مداخل وجود دارد که محتوی آن‌ها یا نتایج به دست آمده را قابل نقد جدی می‌سازد. در این قسمت از مقاله دسته‌بندی محدودی از اهم کاستی‌ها با ذکر برخی از نمونه‌ها ارائه می‌گردد.

۱-۲. غلبه فرهنگ اسلامی، قرآنی اهل سنت

گرچه در برخی از مداخل، نویسندگان در مقام انعکاس دیدگاه‌های شیعه بوده‌اند، اما در مجموع مداخل عزم جدی در این زمینه نبوده است. آراء شیعه به موازات عقاید اهل سنت طرح نشده بلکه به صورت موردی در برخی موارد از مقالات قابل مشاهده است. دلایل و شواهد این موضوع عبارتند از:

الف- تکیه اصلی نویسندگان مداخل به آثار و منابع علمای اهل سنت از کتاب‌های مرجع تفسیر، حدیث و ... به دلیل سهل‌الوصول بودن این منابع در عالم برای محققان.

ب- استناد مکرر به آراء محدثان، مفسران، متکلمان، فقها، ادبای و ... اهل سنت به صورت کلی یا با ذکر نام و نشان با توجه به این دو نکته، بسیاری از مطالب بر اساس روایات و آراء متشنت و معارض اهل سنت نوشته شده و چنانکه خواهد

معنوی می‌جست برگرداند ... این فقره تنها موردی است که در آن به شخص واقعاً نابینا اشاره شده و در آن محمد (ص) سرزنش می‌شود. بنا بر احادیث اسلامی، پیامبر در طول حیات خود از این ماجرا پشیمان بود. تا آنجا که دوست داشت اگر ممکن باشد عبارتی از قرآن حذف شود این آیه از جمله آن‌ها باشد. (ص ۵۹۸) نویسنده مداخل یعنی اسکات کوگل در شرایطی بحث خود را مستند به احادیث اسلامی کرده که در روایات شیعه فاعل «عبس و تولى» ضرورتاً (سوره عبس، ۱) رسول خدا (ص) معرفی نشده، بلکه طبق برخی از روایات آیات ابتدای سوره عبس درباره مردی از بنی‌امیه نازل شده است. (نک: حویزی، ۵۰۹/۵) ثانیاً به فرض اینکه آیات یادشده ناظر به رویگردانی رسول خدا (ص) از نابینا بوده باشد، این موضوع متضمن سرزنش و عیبی نسبت به رسول خدا (ص) نبوده، بلکه بهانه‌ای جهت تذکر و تأدیب آن حضرت به ادب الهی به شمار رفته است (تفصیل بحث را نک شریعتی، ۶۳-۸۰)

از شواهد دیگر غلبه فرهنگ اهل سنت بر مداخل دایرةالمعارف قرآن می‌توان از اظهارات نویسندگان مداخل ابوبکر (رپیبن، ۱۲۱-۱۲۲)، اسطوره‌ها و قصه‌ها در قرآن بحث مربوط به تحلیل شخصیت عایشه (نیورث، ۲۷۰)، آزر [به عنوان پدر حضرت ابراهیم نه عمومی او] طبق نظر شیعه (فایرستن، ۳۵)، آدم و حوا [بحث مربوط به تفسیر کلمات در آیه «فتلقى آدم من ربه کلمات»] (کورنلیا شوک، ۳۳)، ابراهیم [ذیل مشابهت‌سازی شخصیت ابراهیم و پیامبر اسلام در



طلب مغفرت برای بستگان مشرک خود] (فایرستن، ۱۱۰)، اختلاف [ذیل حدیث وارده از پیامبر(ص) که: اختلاف امتی رحمه، صحه گذاشتن بر اختلاف نظرهای صحابه با استناد به حدیث منسوب به پیامبر (ص) که: اصحابی کالنجوم باهم اقتدیتم اهدیتم] (فریدمن، ۱۲۸)، آب [ذیل آب‌های بهشت که یکی از آن‌ها الکوتر است و عدم توجه به دیدگاه شیعه در ذکر مصداق کوثر به فاطمه زهرا] (امیره الدین، ۸)، آخرالزمان [با نگاه سنی مسیحی] (لیمه‌ویز، ۱۲-۱۵) ارتداد [ذیل نسبت‌دادن سوزاندن مردان به علی (ع) و از این جهت مورد انتقاد ابن عباس قرار گرفتن که قطعاً از نظر شیعه جعل و تهمت است نک علامه عسکری: عبدالله بن سبا] (حلاق، ۲۱۷) ارث (استفان پاورز، ۲۱۸-۲۲۶)، اصول عقاید [با توجه به غفلت از منابع اصیل روایات شیعه در الکافی و بحارالانوار خصوصاً کتاب الایمان و الکفر] (اشمیتکه، ۳۱۱-۳۱۶)، اعیاد و بزرگداشت‌ها [ذیل مباحث بزرگداشت‌های رمضان که خالی از دیدگاه‌های شیعه است] (هوفمن، ۳۳۶-۳۴۰)، بدگویی [ذیل بحث بدگویی و همسران پیامبر و طرح بهتان به عایشه در ماجرای حدیث الافک طبق روایات اهل سنت] (راوسن، ۵۰۷) نام برد.

۲-۲. حضور نگاه و بینش عهدینی در نگارش و تحلیل مداخل قرآنی
هرچند نویسندگان مداخل دایرةالمعارف قرآن درصدد بوده‌اند که

می‌کنند. در این خصوص در مدخل «اسرائیل» آمده است: «بیماری عرق‌النساء شب هنگام اسرائیل را آزار می‌داد و او تصمیم گرفت که از برخی از خوراکی‌ها پرهیز کند، شاید که خداوند شفایش بخشد، ... او ضمام جگر و دو قلو و بیه روی آن را حرام ساخت و آنچه را در پشت قرار دارد استثنا کرد. این‌ها اجزائی بود که باید به عنوان پیشکش به خداوند سوزانده می‌شد. تفسیر فوق بازگویی کلمه به کلمه آیین قربانی کتاب مقدس است (مثلاً خروج ۲۲، ۱۳:۲۲) با روایت قرآن (انعام: ۱۴۶) از احکام خوردنی‌های یهود ترکیب شده است. اشاره به عرق‌النساء در تفسیر آیه ۹۳ آل عمران به خاستگاه این آیه در کتاب مقدس (پیدایش، ۳۲: ۳۳-۲۵) اشاره دارد. این قسمت از کتاب مقدس داستان تغییر نام یعقوب به اسرائیل پس از کشتی گرفتن شبانه او با فرشته است که در خلال آن فرشته گردی ران او را در محل عرق‌النساء لمس می‌کند. به همین دلیل بنی‌اسرائیل عرق‌النساء را نمی‌خورند.» (اوری روبین، ۲۵۲)
مثال دیگر در این زمینه شخصیت‌پردازی مثبت از زلیخا و به موازات آن کاستن از شأن و منزلت حضرت یوسف است. ذیل «عشق و مسائل جنسیتی» آمده است: «زلیخا بر یوسف اعمال قدرت کرد. یوسف که از نظر جنسی به او تمایل یافته و به این ترتیب از توجه کامل به خدا منحرف شده است، فقط با مداخله خداوند قدرت می‌یابد در مقابل این زن مقاومت کند. (یوسف: ۲۴) با این همه زلیخا با قاطعیت در قرآن خوار شمرده نمی‌شود، بلکه بر

مقالات این مجموعه بر پایه پیش‌فرض خاصی نوشته نشود، مع‌هذا در برخی از مداخل‌های این اثر نگاه برخاسته از فرهنگ تورات و انجیل به چشم می‌خورد. به‌عنوان مثال در مدخل بنی‌اسرائیل برخی از ویژگی‌های مذموم که در خصوص بنی‌اسرائیل صادق است، به اسرائیل نسبت داده شده است. با اینکه در همین مدخل این نکته به تصریح آمده است که اسرائیل لقب حضرت یعقوب است، حضرت یعقوب از جمله پیامبران الهی بوده که منزله از ردائل بشری از جمله خیانت و پیمان‌شکنی است، اما در این مدخل آمده است: «اشارات قرآنی به بنی‌اسرائیل از سویی متوجه برگزیدگی اسرائیل و از سوی دیگر ناظر بر پیمان‌شکنی اسرائیل در برابر خداوند است. این اشارات در مجموع ناظر بر این معنی هستند که اسرائیل به عشق خداوند خیانت کرد و جایگاه قوم برگزیده خداوند را از دست داد.» (اوری روبین، ۵۵۹)
قابل ذکر است که نویسنده مدخل در شرایطی از اشارات قرآنی درباره اسرائیل و بنی‌اسرائیل سخن می‌گوید که قرآن کریم در دو موضع (آل عمران، ۹۳ و مریم، ۵۸) از حضرت یعقوب با عنوان «اسرائیل» سخن گفته و خصوصاً در سوره مریم او را در ردیف پیامبران برگزیده و هدایت‌یافته‌ای نام می‌برد که در برابر آیات الهی خاشع بوده‌اند. اما تورات و انجیل کنونی از نسبت دادن برخی از ردائل به پیامبران ابایی ندارند. چنانکه در وجه تسمیه یعقوب به اسرائیل به کشتی گرفتن او با خداوند یا یکی از فرشتگان اشاره

۳-۲. رویکرد تطبیقی قرآن و عهدین، القاء هم‌عرض‌انگاری یا اثرپذیری قرآن از عهدین
قبلاً گذشت که در مقالات دایرةالمعارف قرآن، رویکرد تطبیقی بین قرآن و عهدین مدنظر غالب مداخل‌نویسان بوده است. این موضوع در مداخل‌های مرتبط با اقوام و شخصیت‌های قرآنی از



جمله پیامبران مذکور در قرآن نمایان تر است. نویسندگان این مداخل مشخص نکرده‌اند که هدفشان از بررسی تطبیقی چیست؟ همین موضوع می‌تواند شبهاتی به بار آورد، از جمله هم‌عرض شدن قرآن و عهدین (صرف‌نظر از مصونیت قرآن از تحریف و محرف بودن متن عهدین) و بدتر از آن اثرپذیری قرآن از متون یهودی و مسیحی، با آنکه قرآن در عین تصدیق تورات و انجیل خود را مهیمن بر کتاب‌های آسمانی می‌داند. (المائده، ۴۸) با این وجود نویسندگان مداخل دایرةالمعارف بدون آنکه هدف از مباحث تطبیقی را روشن کنند، مکرر تصریح به ارائه پیشینه مباحث خود در کتاب مقدس کرده و یا در صدد نشان دادن مشترکات یا اختلافات موضوع مورد بحث برآمده‌اند، فارغ از پیامدهایی که این موضوع خصوصاً جهت خوانندگان غربی خواهد داشت. اما نمونه‌هایی از این تصریحات:

- مدخل ابراهیم: «گرچه چهره اسلامی ابراهیم اشتراکات فراوانی با چهره او در کتاب مقدس و متون تفسیری بعدی یهود دارد، اما در قرآن بر نقش ابراهیم به عنوان سلف محمد (ص) و بنیان‌گذار آداب حج در مکه تأکید می‌شود.» (فایرستن، ۱۰۸) ... بسیاری از اشارات قرآنی به ابراهیم با مفاد کتاب مقدس شباهت دارد. ابراهیم پدر و قوم خود را ترک می‌کند و در سرزمین جدیدی با خداوند ملاقات می‌کند و خانواده خویش را تشکیل می‌دهد و ... (همو، ۱۰۹-۱۱۴) نمونه‌های متعدد مشابهت در حوادث مربوط به ملاقات ابراهیم با فرشتگان، بت‌شکنی ابراهیم، موضوع ذبح فرزند،

- «فقط مریم نقشی ضروری در طرح نجات و رستگاری دارد. فاطمه (س) نقشی فعال‌تر از مریم در آخرالزمان بر عهده دارد، اما در اسلام هیچ نشانه‌ای از این نیست که نجات و رستگاری بدون اون غیرممکن است. بنا بر دیدگاه شیعیان درباره نجات به منزله تحقق حیات بشری به واسطه درد و رنج، فاطمه (س) که بزرگ‌ترین رنج‌کشیده روی زمین است، بزرگ‌ترین پاداش‌ها را روز حشر نصیب خواهد برد.» (نویورت، ۲۶۹ به نقل از، Sered, Rachel, Mary, Fatima, ۱۳۶). درباره این فراز سخنی نمی‌توان گفت جز اینکه با همان بینشی که یک مسیحی دارد شخصیت‌های اسلامی را تحلیل کردن، چنین تحلیلی در مقایسه شخصیت حضرت عیسی و امام حسین (ع) نیز به عمل آمده به شرح:

درست به همان سان که مسیح خود را در قربانگاه صلیب قربانی کرد تا بشریت را نجات بخشد، حسین نیز خود را در دشت کربلا به کشتن داد تا جامعه مسلمانان را از لوٹ گناه پاک سازد.» (هوفمن، ۳۴۰ به نقل از Enayat, Political thought, 183) از این دست مقایسه‌ها و مشابه‌سازی‌ها را می‌توان در سراسر مقالات دایرةالمعارف به صورت مجمل یا مفصل ملاحظه کرد و هر کدام به فراخور خود نقدی طلب می‌کند. برخی از این موارد جهت اطلاع پژوهشگران عبارت از «انبیاء و نبوت» (اوری روبین، ۳۹۲) «آزر» (فایرستن، ۳۵-۳۶)، «اسماعیل» (همو، ۲۹۸)، «اهل کتاب» (موشه شارون، ۴۴۰-۴۴۷)، «بابل» (زرز خوری، ۴۷۰)، «بیت‌المقدس»

عهد خداوند با ابراهیم و ...)

- مدخل اسطوره‌ها و قصه‌ها در قرآن: «خط سیر تعریف زن در صدر اسلام بسیار شبیه به آن در مسیحیت اولیه است ... اسلام عایشه را دارد، همان‌گونه که مسیحیت مریم مجدلیه را. هر دو به شدت متهم‌اند به اینکه زنانی با تمایلات جنسی و شهوانی‌اند - یکی مظنون است به زنان محصنه در صحرا و بدکاری دیگری محرز است- و با این حال، هر یک از آنها از چشم حضرت محمد (ص) و عیسی، بنیان‌گذاران دین اسلام و مسیحیت، اصالتاً پاک و نیک ارزش‌گذاری می‌شوند...» (نویورت، ۲۷۰ به نقل از performances, 91-91)

اما این مشابهت‌سازی در شرایطی است که در تلقی عمومی مسلمانان عایشه همچون مریم مجدلیه زنی دارای تمایلات شدید شهوانی نیست ضمن آنکه قضایای مربوط به افک عایشه که در روایات اهل سنت به آن دامن زده شده از نظر شیعه به شدت مورد نقد و سؤال است (نک طباطبایی، ۱۵/۹۶-۱۰۶)

- همان مدخل: «در قرآن مریم آن‌گونه که در مسیحیت مطرح است زن رنج‌کشیده نیست، چرا که او ناگزیر نیست تا رنج پسرش را ببیند. در اسلام نمونه اعلائی زن رنج‌کشنده، در سنت متأخر در فاطمه (س) دختر پیامبر (ص) تجسم یافته است. از این رو نقشی که بنا بر تلقی مسیحیان مریم در حیطة معادشناختی بر عهده دارد در اسلام فاطمه عهده دارد گرچه با تفاوتی بارز:

(هربرت بوسه، ۵۸۲-۵۸۶)، «بلایای قوم فرعون» (شری یوئین، ۵۴۹-۵۵۰)، «آارات» (ویلیام بریز، ۳۴-۳۵)، «اسحق» (فایرستن، ۲۵۰)، «اسماء و صفات خداوند» (باورینگ، ۲۸۲-۲۹۷) به هر جهت این محور را با عبارتی از مدخل بنی اسرائیل به پایان می‌بریم که از نظر نویسنده آن گویای اثرپذیری قرآن از کتاب مقدس است و می‌نویسد: «مواجهه قرآن با بنی اسرائیل را باید در پس‌زمینه‌ای از اشارات کتاب مقدس درباره آن‌ها بررسی کرد.» عناوین «اسرائیل»، «خاندان اسرائیل»، «بنی اسرائیل» قبلاً در عهد عتیق به صورت نام‌های مترادف قوم اسرائیل به کار رفته بود و وجه تسمیه آن به یعقوب جد بزرگشان بر می‌گردد که نامش به اسرائیل تغییر یافت. (نک پیدایش، ۳۲:۲۹) در عهد عتیق، اسرائیل قوم مقدسی است که خداوند آن‌ها را بندگان برگزیده خود قرار داده است و مرتبه آن‌ها از تمام اقوام روی زمین بالاتر است (مثلاً تثنیه: ۷:۶ و نیز استنادهای متعدد دیگر از عهد قدیم و جدید در همین صفحه)... این آراء و نظرات، که عمدتاً در سفر تثنیه به چشم می‌خورد تقریباً به طور تمام و کمال در قرآن تکرار می‌شوند...» (اوری روبین، ۵۵۸-۵۶۲)

۴-۲. خلط قرآن‌شناسی، اسلام‌شناسی و فرهنگ‌شناسی مسلمانان

ردپای مباحث استطرادی و خارج از موضوع قرآنی در مداخل دایرةالمعارف قرآن به وفور قابل مشاهده است، می‌توان گفت در



برخی از مداخل بین سه حوزه «قرآن‌شناسی»، «اسلام‌شناسی» و «فرهنگ‌شناسی مسلمانان» خلط شده است. اگرچه هر کدام از عناوین یادشده به نحوی با قرآن در ارتباط است، اما روشن است که مسئله هر یک از عناوین فوق با موارد دیگر متفاوت است و در یک اثر بین‌المللی درباره قرآن خلط چنین مواردی توجیه ناپذیر است. خصوصاً اگر بررسی‌های به عمل آمده در خصوص رفتارشناسی مسلمانان در قبال قرآن، نیز معرفی آداب و مناسک اسلامی (که بعضاً مباحث فقهی است) یا شناخت شخصیت‌های اسلامی از صحابه و تابعان (که بعضاً مباحث فقهی است) یا شناخت شخصیت‌های اسلامی از صحابه و تابعان (که بعضاً از مباحث تاریخی است) و ... به نحو تفصیلی صورت پذیرفته باشد. از این دست مداخل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

«آموزش و ترویج قرآن» (۵۵-۸۴)، «آداب و مناسک و قرآن» (۱۶-۲۸) «ادیان پیش از اسلام در عربستان جنوبی» (۲۰۱-۲۱۰)، «عیاد و بزرگداشت‌ها» (۳۳۶-۳۴۰)، «حمدیه» (۱۲۵-۱۲۶)، «امت و جامعه» (۳۵۶-۳۷۶)، «ایمان» (۴۴۹-۴۵۸)، «بریلویان» (۵۲۲-۵۲۴)، «بیت‌المقدس» (۵۸۲-۵۸۶) «ادبیات (ممالک گوناگون) و قرآن» [اصل بحث خوب است اما مباحث استطرادی فراوان دارد نک ص ۱۵۷-۱۹۸ نویسندگان مختلف]

۲-۵. ادبیات، اصطلاحات و محتوی‌سازی متفاوت با تحقیقات

از این دست است که کم و بیش در مداخل دیده می‌شود. گاه در استفاده از برخی تعابیر بین پیامبران الهی تفاوت گذاری شده است به عنوان مثال در مدخل «اسطوره‌ها و قصه‌ها در قرآن» آمده است: «شخصیت‌های اندکی در قرآن جنبه قهرمانانه می‌یابند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ابراهیم، یوسف، موسی، عیسی و نمونه‌های منتخب ذیل روشن می‌کند داستان‌های آن‌ها عاری از ویژگی‌های الگوی مثالی نیست.» (اندیورث، ۲۷۱ با اندکی تلخیص)

عبارات اخیر درباره برخی پیامبران در شرایطی بیان شده که اولاً از نظر قرآن همه پیامبران الهی افرادی هدایت‌یافته و شایسته پیروی هستند. (الانعام، ۹۰) ثانیاً سرآمد پیامبران از جهت الگو واقع شدن رسول خدا (ص) است (الاحزاب، ۲۱) که البته در عبادات نوییورت دیده نمی‌شود. ضمناً استفاده از واژه اسطوره و قهرمان به جای «سوه» تصویری خیال‌پردازانه از شخصیت پیامبران به دست می‌دهد.

اما از جهت محتوی‌سازی مداخل، گاه برخی از مداخل‌های دایرةالمعارف جاری بحث‌های بسیار طولانی اما کم‌فایده است مانند مداخل‌های اندازه‌گیری (آرارات، اتیوبی، اعداد، ابزار) گاه تصور و برداشت نویسنده از موضوع مورد بحث کاملاً متفاوت با برداشت مسلمانان از همان موضوع است. مثال روشن در این زمینه مدخل «بلاغت و قرآن» (انگیلیا نوییورت، ۵۳۳-۵۴۸) است که گرچه دارای اطلاعات مفیدی است اما اگر این موضوع با تعریف بلاغت و محتوی

مسلمانان

بر هیچ‌کس پوشیده نیست که مقالات دایرةالمعارف قرآن لیدن با ادبیات و اصطلاحات متفاوت با پژوهش‌های مسلمانان سامان یافته است. این مقالات که مشخص‌کننده دستگاه فکری و چارچوب‌های ذهنی خاورشناسان است بعضاً بر محتوی‌سازی مطالب هم اثر خود را ظاهر کرده است، لذا اگر این دایرةالمعارف در کشورهای اسلامی و به وسیله مسلمانان تدوین شده بود از جهت انتخاب مداخل، سبک علمی، ادبیات حاکم بر مقالات، محتوی‌سازی مقالات و کاربرد اصطلاحات، وضعیتی کاملاً متفاوت به هم می‌زد. این موارد البته به معنای نفی امتیازات اثر حاضر نیست، بلکه هشدار می‌دهد جهت خوانندگان دایرةالمعارف است که با تأمل در محتوای مداخل، از بررسی منصفانه و نقد علمی غافل نباشند و پژوهش‌های انجام شده را حرف آخر نپندارند. به تعبیر سرویراستار دایرةالمعارف خانم مک‌اولیف این پروژه ظرفیت خوبی برای جدل و مناظره دارد. (همو، ص ۲۶)

ما از موارد مشخص در ادبیات خاص دایرةالمعارف، استفاده از اصطلاحاتی چون «سنت اسلامی»، «تجربه پیامبرانه»، «اسطوره پیامبران الهی»، «آیات شیطانی»، «قانون موسوی»، «قانون محمدی»، «به کشتن داده به جای شهادت»، «قهرمان در مقابل اسوه و الگو»، «قافیه به جای سجع و فاصله»، «واعظان به جای خطبا و روحانیون»، «تقسیم خطبه‌ها به الوعیظه و النعتیه» و مواردی

آن از نظر عالمان مسلمان سنجیده شود، همه چیز دارد جز بلاغت قرآنی. نمونه دیگر آنکه در بسیاری از مداخل‌های دایرةالمعارف از اصطلاح «استعاره» در مفهوم «مجاز» استفاده شده است حال آن که این کاربرد صحیح و دقیق نیست و نسبت این دو اصطلاح با هم عموم و خصوص من وجه است.

از مثال‌های دیگر در این خصوص توجه به مدخل «انفاق» دایرةالمعارف است که گرچه حاوی بحث‌های ارزنده‌ای درباره انفاق، مصادیق و مراحل و فلسفه آن است (نانجی، ۴۲۱-۴۲۷) اما نتوانسته در موارد زیر به صورت شفاف دیدگاه اسلام را در مسئله انفاق مشخص سازد:

الف- تقسیم کلی انفاق به انفاق‌های واجب و مستحبی و کارکرد هر کدام

ب- عدم تفکیک بین زکات و خمس به عنوان دو عبادت متمایز شرعی

ج- عدم تمایز بین انفاق‌های سری و انفاق‌های آشکار و ظاهر

۲-۶. اظهارنظرهای کلی، غیر دقیق و نامشخص از جهت ارجاعات علمی

در برخی از مداخل به ذکر منابع بحث به نحو کلی و اجمالی - آن هم در پایان مدخل - بسنده شده و مطالب ذکر شده فاقد



ارجاعات است. اشکالی که در این موارد به ذهن خطور می‌کند شائبه ذهنی‌نویسی یا نسبت‌دادن مسائلی به قرآن و اسلام است که چه بسا مستند دقیقی از نشر قرآن و مدارک معتبر نداشته باشد. مثال‌هایی در این خصوص:

الف- در اسلام هیچ دلیل فقهی برای حضور مصحف هنگام قسم خوردن وجود ندارد، برخلاف مسیحیت و یهودیت که برای قسم خوردن به وجود نسخه‌ای از متن مقدس نیاز است (جوزف مری، ۲۳ با اندکی تلخیص)

نقد: همین‌که خداوند در مواضع متعددی به قرآن سوگند خورده (از جمله نک سوره‌های یس، ق، ص، دخان، آیه‌های نخست) و از عظمت این کتاب پرده برداشته (نکه الواقعة، ۷۸) خود می‌تواند مجوزی فقهی جهت سوگند به مصحف تلقی شود.

ب- برخی از اوصاف پدیده‌های آخرالزمانی تنها یک بار در قرآن به کار رفته‌اند. مثلاً «چون زمین با تکان سختی لرزانده شود و کوه‌ها ریزه ریزه شوند» (واقعه: ۴-۵) یکی از ویژگی‌های بارز اوصاف حوادث آخرالزمانی در قرآن آن است که هیچ اشاره‌ای نمی‌شود که چه کسی یا چه چیزی مسبب این حوادث است. (لیمهونر، ۱۴ به نقل از بنت الشاطی)

نقد: اولاً ویژگی تکان خوردن زمین و ریزه‌ریزه شدن کوه‌ها در مواضع گوناگونی در قرآن وارد شده است (از جمله نک سوره های القارعه، الحاقه، المزمل، التکویر) ثانیاً ریزه ریزه شدن کوه‌ها

هـ- بنا بر بیشتر روایات نه مصحف قرآن ابن مسعود و نه مصحف ابی بن کعب شامل سوره فاتحه نمی‌شدند. (ویلیام گراهام، ۵۲۷)

نقد: اولاً این موضوع (عدم درج سوره فاتحه در مصحف) درباره مصحف ابن مسعود مطرح است نه ابی بن کعب (تفصیل نک رامیار، ۳۴۰-۳۴۷ با تصریح به وجود سوره حمد ضمن مصحف ابی بن کعب در سه سند تاریخی و نیز همان کتاب ۳۵۶ مصحف ابن مسعود) ثانیاً: این روایات که نویسنده مدعی آن شده در چه منابعی است و چه میزانی از اعتبار دارد؟

از مدخل‌های دیگر که به صورت کلی و اجمالی نوشته شده و فاقد استنادهای جزئی است می‌توان به مدخل ادريس (۱۹۹-۲۰۱)، ارتداد (۲۱۴-۲۱۶) اشاره کرد.

۲-۷. سردرگمی در مباحث اختلافی

از آنجا که دایره‌المعارف قرآن بیشتر در مقام انعکاس دیدگاه‌های مختلف برآمده تا اعلام نظر قاطع در خصوص موضوع، و نیز به دلیل آنکه نویسندگان مداخل صرف‌نظر از آیات قرآن، به دیدگاه‌های گوناگون تفسیری و بعضاً روایات معارض با یکدیگر مراجعه داشته‌اند، این جهات موجب شده که در پاره‌ای از موارد خواننده در دریافت حقیقت و جزئیات وقایع سردرگم بماند. در این خصوص مثال‌های مختلفی وجود دارد که به ذکر برخی بسنده می‌شود:

۲-۷-۱- تعیین مصداق ذبیح: فایرستن در مداخل اسحاق می‌نویسد: «بحث‌انگیزترین اشاره قرآن به اسحاق در حکایت قربانی (الذبیح) ابراهیم در آیات ۹۹-۱۱۳ صافات است که نام اسحاق مؤکداً ذکر می‌شود. اما نام او مشخصاً در داستان نیامده است. در نتیجه مفسران قرآن بحث کرده‌اند که آیا اسحاق قربانی بوده است یا اسماعیل. در این مناقشات دعوای اصلی بر سر این بوده که تصور می‌شود ذریه آن پسر ابراهیم که با نثار جان خود کاملاً به امر خدا تسلیم شده بود بر ذریه پسر دیگر فضیلت دارد ... (همو، ۲۵۰-۲۵۱) همین نویسنده در مدخل اسماعیل هم آورده است: «برخلاف باور متداول در هیچ کجای قرآن اسماعیل قربانی ابراهیم معرفی نشده است. (نکه صافات ۹۹-۱۱۱، قس پیدایش ۲۲: ۱-۱۸) در روایت قرآن از هیچ کس نامی برده نمی‌شود، اما بلافاصله بعد از آیات [مربوط به قربانی] نام اسحاق به میان می‌آید. از این رو دو دیدگاه تفسیری به وجود آمد که یکی اسحاق و دیگری اسماعیل را قربانی می‌دانست.» (همو، ۳۹۹)

نقد: قرآن در سوره صافات پس از ذکر کامل جریان ذبح فرزند و اعلام تبدیل ذبح فرزند به ذبح گوسفند به صراحت می‌فرماید: «و بشرناه باسحق نبیاً من الصالحین». گویا بشارت تولد اسحاق پاداش پیروزی ابراهیم در آزمایش ذبح فرزند است. (نکه علامه طباطبایی، ۱۷۵/۱۷)

۲-۷-۲- جزئیات بسمله که بحث آن به تفصیل گذشت (نکه

صراحتاً به خداوند نسبت داده شده است. در سوره طه آمده است: «و یسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفاً...» (آیات، ۱۰۵-۱۰۷) ج- مفسران نخستین شک ندارند که آدم گناه کرد ولی گناهش را مقدر تلقی می‌کنند. مفسران بعدی تحت تأثیر اصل عصمت پیامبران تأکید می‌کنند که آدم و حوا را شیطان به لغزش کشاند (ازلهما الشیطان، بقره: ۳۶) و آدم فراموش کرد (طه: ۱۱۷) یا این عصیان را نتیجه اشتباه در تشخیص می‌دانند. (کورتلیا شوک، ۳۲-۳۳)

نقد: نویسنده در دو مورد دست به کلی‌گویی زده است، ضمناً از عبارت او معلوم می‌گردد که به نظر وی، اعتقاد به عصمت پیامبران اصلی متأخر در بین مسلمانان است که در قرون اولیه مطرح نبوده است.

د- بنا بر احادیث اسلامی پیامبر (ص) در طول حیات خود از این ماجرا (رویکردانی از عبدالله بن ام مکتوم) پشیمان بوده تا آنجا که دوست داشت اگر ممکن باشد که عبارتی از قرآن حذف شود این آیه از جمله آن‌ها باشد. (اسکات کوگل، ۵۹۸)

نقد: به طوری که قبلاً اشاره شد طبق برخی از روایات، آیات ابتدایی سوره عبس در شأن فردی از بنی‌امیه نازل گردید، نه پیامبر (ص) (نک حویزی، ۵۰۹/۵) ضمناً چگونه و با کدام دلیل می‌توان ثابت کرد پیامبر اسلام (ص) مایل به حذف آیاتی از قرآن بوده است؟



همین مقاله)

۳-۷-۲- تحلیل امّی بودن پیامبر (ص) - در این زمینه چند گفتار در دایره‌المعارف قرآن وارد شده است. دو گفتار آن با عناوین «امّی» و «بی‌سوادی» هر دو از سبب‌ترین‌ترین گونه‌ها بوده و حاوی آرای مختلف و متضارب است. فاضل معاصر دکتر مؤدب مقاله «امّی» را مورد نقد قرار داده است. (نکته پژوهش دینی)

۸-۲- برداشت‌های نادرست از مفاهیم آیات و روایات یکی از اشکالات تحقیقات خاورشناسان به برداشت‌های نادرست آنان از برخی آیات و روایات ارتباط دارد. این امر معلول عدم آشنایی دقیق خاورشناسان با ادبیات عرب، لسان آیات و روایات، زوایای تاریخ اسلام و ابعاد فرهنگ دینی مسلمانان از یک سو و مراجعه نکردن آن‌ها به همه‌ی نصوص و قرائن وارده در یک موضوع از سوی دیگر دارد. (معارف، ۵۴ و نیز نکته علی الصغیر، ۱۰۹-۱۴۲ و حسین طباطبایی، ۱۸۹-۲۱۱) در مقالات دایره‌المعارف قرآن لیدن نیز کم و بیش می‌توان به این دست از برداشت‌های نادرست از برخی از مفردات و یا مفاهیم آیات و روایات اشاره کرد از جمله:

۱-۸-۲- در مدخل آخرالزمان لیمه‌ویز به عنوان یکی از نشانه‌های پایان جهان می‌نویسد: «خداوند از دل زمین چهارپایی بیرون می‌کشد که سخن می‌گوید.» (نحل، ۸۲) نقدی که بر این عبارت وارد است آنکه «دابه» در زبان عرب به معنای جنبنده ای است که

که «ایام العرب» جنگ‌های میان قبایل عرب در دوره‌ی پیش از اسلام است. با مراجعه به تفاسیر بطلان قیاس فوق واضح است. ۴-۸-۲- در مدخل انبیاء و نبوت آمده است: «محمد عرب هیچ گونه نسبت تبار شناختی با انبیای پیشین نداشت.» (اوری روبین، ۴۰۰)، این در شرایطی است که حضرت محمد(ص) در اعتقاد مسلمانان از طریق اسماعیل از نسل و تبار ابراهیم است. در همین مدخل آمده که پیامبر(ص) پس از هجرت به مدینه تحت تأثیر یهود که در روز عاشورا روزه می‌گرفتند به مسلمانان دستور داد که روزه گرفتن در روز عاشورا را آغاز کنند. (همان جا، ۴۰۸) غافل از آنکه عبادت روزه سال‌ها پس از هجرت به مدینه تشریح گردید و بر اساس روایات روزه رمضان نسخ روزه‌ی عاشورا گردید. (نکته ابن شاهین، ۲۰۰)

۹-۲- موارد قابل تذکر دیگر

غیر از مواردی که گذشت، در مقالات دایره‌المعارف قرآن مسائل ریز و درشت دیگری نیز وجود دارد که جهت پرهیز از اطالّه کلام از بررسی کامل و مصداق‌یابی آن‌ها خودداری شده و تنها به ذکر عناوین آن‌ها و یادکرد یک نمونه بسنده می‌شود.

۱-۹-۲- نگاه مادی و تجربی به وقایع و مضامین قرآنی - در مدخل اصحاب فیل علی‌رغم اذعان به معجزه‌آس بودن از بین رفتن اصحاب فیل آمده است: «هلاکت لشکر حبشی را ناشی از شیوع وبا یا آبله می‌توان دانست.» (عرفان شهید، ۳۰۸). نویسنده البته در این

زمینه بحث نکرده که آیا بیماری وبا یا آبله در صورت شیوع اهالی مکه را نیز مورد تهدید قرار داد یا خیر؟

۲-۹-۲- تفسیر مضامین قرآن بر پایه‌ی ظاهرگرایی و در نظر نگرفتن مجاز و تشابهات - در این خصوص مثال‌هایی وجود دارد از جمله در مدخل آب آمده که «خداوند آب را پیش از آسمان‌ها آفرید»، سپس به این آیه استناد شده که «و اوست کسی که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید و عرش او بر آب بود.» (هود: ۷) غافل از آنکه در آیه «وکان عرشه علی الماء» معلوم نیست مراد از «ماء» همین آبی باشد که در دسترس موجودات زنده است بلکه استقرار عرش بر آب می‌تواند ناظر به ارزش آب به‌عنوان ماده‌ی اصلی حیات یا کنایه از مذاب و سیال بودن اجزای آفرینش اولیه باشد. (نکته علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۵۱/۱۰، مکارم شیرازی، ۲۶/۹)

۳-۹-۲- نگاه تاریخمندانه به قرآن در برخی مداخل - این نگاه که قرآن در تاریخ و شرایط خاصی نازل شده، گاهی در برخی مداخل قابل رؤیت است. در مدخل اسباب نزول آمده است: «اما شاید در مجموع بهترین فهم از کارکرد اساسی روایات اسباب نزول «تاریخمند کردن» قرآن باشد. این روایات متن را به گونه‌ای استوار در حیات محمد (ص) می‌نشانند و متن با سیاق مبهم را تا حد زیادی به بخشی از [تاریخ] حجاز قرن هفتم میلادی بدل می‌سازند.» (اندرو ربیین، ۲۳۹)

قابل ذکر است چنین نگاهی در آثار برخی از پژوهشگران

دارای حرکت خفیف است و مشترک در حیوانات، حشرات و حتی انسان‌ها است و در آیه ۸۲ ی سوره‌ی نمل نیز دابه بین حیوان و اشراقی که از نظر جهالت به منزله‌ی دواب هستند احتمال مصداق دارد. (نکته راغب اصفهانی، ۱۸۴)

در همین مدخل آمده است: «یکی دیگر از جزئیات مقبول درباره‌ی آخرالزمان این است که عیسی دجال را شکست خواهد داد.» (ص ۱۵). اما بر اساس عقاید مسلمین خصوصاً شیعه، عیسی در رکاب حضرت مهدی رجعت می‌کند و آن حضرت نابود کننده‌ی دجال و سایر دشمنان خواهد شد.

۲-۸-۲- در مدخل اختلاف عقیده نویسنده با ذکر حدیث اختلاف میان اصحاب امت رحمت است از مفهوم اختلاف، تفاوت در عقیده و سلیقه را فهمیده است. غافل از آنکه طبق سخن امام صادق(ع) در تفسیر حدیث مراد از اختلاف آمد و شد مردم یا علما با یکدیگر است. (نکته صدوق، ۱۵۷). در همین مدخل نویسنده با ذکر حدیث «اصحابی کالنجوم بائهم اقتدیتم اهتدیتم» معتقد است که در این روایت به اختلاف میان صحابه پیامبر صحه گذاشته شده و مجاز دانسته شده است. در حالی که حدیث یاد شده شبهه‌ی قوی جعل و یا تقطیع دارد. (تفصیل بحث را نکته صدوق، ۱۵۶ و معارف، شناخت حدیث، ۶۰)

۳-۸-۲- در مدخل ایام الله، جان نواس عبارت اخیر در مقایسه با «ایام العرب» را جنگ‌های خداوند ترجمه کرده است، با این تصور



مسلمان از جمله نصر حامد ابوزید نیز به شدت پیگیری شده است. (نکته ابوزید، ۱۷۸-۲۰۸) غافل از آنکه اولاً درصد کمی از آیات قرآن دارای سبب نزول است نه همه آیات، ثانیاً در اعتبار روایات موجود اسباب نزول بحث و مناقشه فراوان است (طباطبایی، قرآن در اسلام، ۱۰۲). ثالثاً اسباب النزول در قرآن عامل تاریخ‌مند نمی‌شود چرا که طبق نظر علمای اسلامی «العبره بعموم اللفظ لا بخصوص السبب» (نکته سیوطی، ۱۱۰/۱: المسأله الثانيه)

۲-۹-۴- وابسته‌سازی قرآن و فرهنگ اسلامی به مصادر و فرهنگ‌های غیرعربی - در این خصوص قبلاً مثال‌هایی در بررسی تطبیقی قرآن و کتاب مقدس از نظر گذشت. بخش دیگری از این رویکرد را در معرب جلوه‌دادن واژگان قرآنی می‌توان در نظر گرفت که کم‌وبیش ذیل بحث از ریشه مفردات قرآنی مانند «آیه»، «رحمان»، «کتاب» و ... دیده می‌شود.

۲-۹-۵- تهی‌بودن دایره‌المعارف از روح معنوی قرآن - قرآن کتاب هدایت انسان و عامل رشد معنوی است، قرائت و تلاوت آن موجب نورانی‌شدن وجود و صفای باطن می‌گردد. در مطالعه مداخل دایره‌المعارف قرآن بر این ویژگی‌های قرآن تأکید نشده بلکه بیشتر علوم و اطلاعات قرآنی جلوه‌گر می‌شود. دلیل این موضوع علاوه بر نگاه علمی پژوهشگران مداخل، وجود انبوه اطلاعات برخاسته از منابع تورات و انجیلی، روایات تاریخی و غیرتاریخی کتاب‌های مسلمانان، بررسی و تحلیل‌های بعضاً مطول و خسته‌کننده

پژوهشگران و مباحث استطرادی و بعضاً خارج از موضوعی است که محتوای خشکی از قرآن را به اذهان منتقل می‌کند.

۲-۹-۶- پیش‌فرض‌های خود را داشتن - برخی از اظهارات خاورشناسان تکیه بر پیش‌فرض‌های آنان دارد از جمله عدم یکپارچگی قرآن به‌عنوان متنی الهی. در مدخل آفرینش علی رغم اذعان نویسنده به سهولت جمع بین تعابیر گوناگون در مورد مواد تشکیل دهنده خلقت انسانی باز آمده است: «هیچ اجباری نیست که تصور کنیم قرآن در این مسئله یا هر مسئله دیگر متنی کاملاً یکپارچه و کاملاً منسجم است. چنان که دلیل پیشینی هم برای نامنسجم بودن قرآن نیست.» (پیترسن، ۴۶)

و در همین خصوص در مدخل ابراهیم آمده است: «اشارات ناسازگار قرآن به فرزندان ابراهیم توجه محققان غربی را به خود جلب کرده است.» (نایوستن، ۱۱۱) نسبت تعارض دادن به قرآن در شرایطی است که قرآن کریم در آیه ۸۲ سوره نساء تدبیر را رافع هرگونه اختلافی در ساحت کتاب الهی اعلام کرده و فرموده است: «فلا يتدبرون القرآن ولو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً» در پایان یادآور می‌شود که مسائل دایره‌المعارف قرآن لیدن از محسنات گرفته تا کاستی‌ها بسیار فراوان‌تر از بررسی محدود است که در این مقاله به نظر خوانندگان رسیده و امید است که محققان جوان دانشگاهی در مقالات و کتاب‌های خود به بررسی‌های تفصیلی دیگر در این خصوص همت نمایند.

کتاب‌شناسی:

- علاوه بر قرآن کریم و غیر از اسامی مدخل‌نویسان این شاهین، عمر بن احمد، الناسخ و المنسوخ من الحدیث، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ه. ق.
- ابوزید، نصر حامد، مفهوم النص (معنای متن)، ترجمه مرتضی کریمی نیا، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۰ ه. ش.
- حسینی طباطبایی، مصطفی، نقد آثار خاورشناسان، انتشارات چاپخش، ۱۳۷۵ ه. ش.
- حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، به تصحیح هاشم رسولی محلاتی، افست حوزه علمیه قم، ۱۳۸۲ ه. ق.
- حمدی زقزوق، محمود، الاستشراق و الخلفیه الفکریه، قاهره، دارالمنار، ۱۴۰۹ ه. ق.
- خوبی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیرالقرآن، بیروت، دارالزهراء، ۱۴۰۸ ه. ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، معجم مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ه. ق.
- رامیار، محمود، تاریخ قرآن، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳ ه. ش.
- سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، افست قم، منشورات رضی، بیدار، عزیزی، ۱۳۶۳ ه. ش.
- سباعی، مصطفی، الاستشراق و المتشرقون مالهم و ماعلیهم، بیروت، دارالوراق، ۱۴۲۲ ه. ق.
- شریعتی، محمد تقی، تفسیر نوین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۳ ه. ش.
- صدوق، محمد بن علی، معانی الاخبار، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۹۹ ه. ق.

- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت منشورات الاعلی، ۱۴۰۳ ه. ق.
- همو، قرآن در اسلام، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۶۹ ه. ش.
- علی الصغیر، محمد حسین، المستشرقون و الدراسات القرآنیه، بیروت، دارالمورخ العربی، ۱۴۲۰ ه. ق.
- عسکری، سید مرتضی عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، شرکه التوحید، ۱۴۱۷ ه. ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ه. ش، ط ۲.
- معارف، مجید، شناخت حدیث، انتشارات نیا، ۱۳۸۸ ه. ش
- همو، درآمدی بر قرآن پژوهی مستشرقان و آسیب شناسی آن، پژوهش دینی، شماره ۹، ۱۳۸۴ ه. ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳ ه. ش، چاپ چهاردهم.
- مک اولیف، جین د من، پیشگفتار دایره المعارف قرآن، انتشارات حکمت، ۱۳۹۲.
- ویراستاران فارسی، پیش‌گفتار فارسی دایره المعارف قرآن، انتشارات حکمت، ۱۳۹۲.

۱. استاد دانشگاه تهران

